

Structural relationships of cognitive emotion regulation, extraversion and neuroticism with Obsessive- Compulsive symptoms in non-clinical people

Hashemi T. *PhD*¹, Mahmoud alilou M. *PhD*¹, Hosseinzadeh S. *MSc*[✉]

¹ *Department of psychology, Faculty of Educational science and Psychology, Tabriz, Iran*

[✉] *Department of psychology, Faculty of Educational science and Psychology, Tabriz, Iran*

Received: 2013.9.16

Accepted: 2014.12.22

Abstract

Abstract

Introduction: The aim of this study was to consider the cognitive emotion regulation strategies, neuroticism and extraversion with obsession- compulsion symptoms in non- clinical people.

Methods: The present study was a descriptive- causal study. 400 students from Tabriz University were selected by multistage clustering. The Cognitive emotion regulation questionnaire, Neo-FFI personality inventory, and the Maudsly questionnaire were completed by students.

Results: Path- analysis were used for analyzing the data. Results showed that positive reappraisal, refocusing on planning, and extraversion perspective-taking changed the obsession-compulsion symptoms in mediation negatively. Also, self-blame and extraversion rumination changed the obsession-compulsion symptoms in mediation positively. In addition self -blame, rumination, catastrophizing through neuroticism changed obsession- compulsion symptoms in mediation of neuroticism positively. Acceptance strategies, positive reappraisal, positive refocusing, refocusing on planning, and extraversion perspective-taking changed obsession- compulsion symptoms in mediation of neuroticism negatively.

Conclusion: These findings indicated that cognitive emotion regulation strategies with a mediator of extraversion and neuroticism can be predicted as obsession- compulsion symptoms. These findings have empirical implication in clinical interventions.

Key words: Cognitive Emotion Regulation, Neuroticism, Extraversion, Obsession-Compulsion

رابطه علی- ساختاری راهبردهای شناختی نظم جویی هیجان، روان نژندگرایی و برون گرایی با نشانه‌های وسواس فکری- عملی در جمعیت غیربالینی

تورج هاشمی نصرت‌آباد^۱، مجید محمودعلیلو^۱، سولماز حسین زاده سعید^۲

^۱گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران
^۲گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱

چکیده

مقدمه: هدف این پژوهش تعیین نقش راهبردهای شناختی نظم‌جویی هیجان و روان‌نژندگرایی و برون‌گرایی در نشانه‌های وسواس فکری- عملی بود.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی بود که در راستای آن، ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان (CERQ)، پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO-FFI) و پرسشنامه مازولی و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نشان داد که راهبردهای بازاریابی مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، دیدگاه‌گیری به واسطه برون‌گرایی به صورت منفی و راهبردهای ملامت خود، نشخوارگری به واسطه برون‌گرایی به صورت مثبت تغییرات نشانه‌های وسواس فکری- عملی را پیش‌بینی می‌کنند. علاوه بر این راهبردهای ملامت خود، نشخوارگری، فاجعه‌انگاری به واسطه روان‌نژندگرایی به صورت مثبت و راهبردهای پذیرش، بازاریابی مثبت، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی و دیدگاه‌گیری به واسطه روان‌نژندگرایی به صورت منفی تغییرات نشانه‌های وسواس فکری- عملی را پیش‌بینی می‌کنند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان دادند که راهبردهای شناختی نظم‌جویی هیجان به واسطه روان‌نژندگرایی و برون‌گرایی می‌توانند در قالب یک مدل پیش‌بینی‌کننده نشانه‌های وسواس فکری- عملی در جمعیت غیربالینی باشند. این یافته‌ها تلویحات عملی در مداخلات بالینی دارد.

کلید واژه‌ها: راهبردهای شناختی نظم‌جویی هیجان، روان‌نژندگرایی، برون‌گرایی، وسواس فکری- عملی

مقدمه

اختلال وسواس فکری-عملی (Obsessive Compulsive disorder) یکی از انواع اختلالات اضطرابی است که در آن، افکار و سوا سی به طور دائم عودکننده بوده و اجبارها شامل اضطراب‌هایی هستند که یا موجب اتلاف وقت شده و یا باعث پریشانی و ضرر و زیان می‌گردند [۱]. بانون و همکاران معتقدند افراد وسواسی-اجباری (افکار، تکانه‌ها یا تجسم‌های مکرر و مقاوم که بصورت مزاحم و نامتناسب توصیف می‌شوند و اضطراب یا پریشانی قابل توجهی ایجاد می‌کنند) که همراه با اجبارها (رفتارهای تکراری یا اعمال ذهنی که در جهت پیشگیری یا کاهش اضطراب، پریشانی ناشی از وسواس‌ها هستند) رخ می‌دهند، رنج می‌برند [۲].

در توضیح این اختلال، استکتی، فارست، هیوم و ویلیام معتقدند اختلال OCD اساساً اختلال در پردازش شناختی و هیجانی است، که در آن اشخاص افکار، عقاید، تصاویر ذهنی و تکانه‌های ناخواسته مزاحمی را تجربه می‌کنند که در آن‌ها ایجاد تشویش کرده و حذف‌شان مشکل است [۳]. شواهد جدید مربوط به اختلالات اضطرابی نشان می‌دهد که مشکل در نظم‌جویی هیجان، ممکن است عامل مهمی در این اختلال باشد [۴].

سیجیتی، آکرمن و ایزارد معتقدند نظم جویی هیجان یک اصل اساسی در شروع، برانگیختن و سازماندهی رفتار سازگارانه و همچنین جلوگیری از هیجان‌های منفی و رفتارهای ناسازگارانه محسوب می‌شود [۵]. این سازه یک مفهوم پیچیده است که طیف گسترده‌ای از فرایندهای زیستی، اجتماعی، رفتاری و شناختی هشیار و ناهشیار را در بر می‌گیرد [۶]. به لحاظ نظری، راهبردهای نظم‌جویی هیجان مانند پذیرش هیجان، ممکن است به افرادی که از نظر هیجانی آسیب‌پذیر هستند اجازه دهد که در زمان و مکان کنونی باشند و در نتیجه به جای آن که واکنشی بیش از حد و اضطرابی به موقعیت نشان دهند (به عنوان فاجعه‌آمیز کردن)، درک عینی تری از میزان تهدید بدست آورند. مبتنی بر این دیدگاه، چنین عنوان شده است که راهبردهای نظم‌جویی هیجان با تغییر دادن واکنش افراد به حالت‌های اضطرابی و رویدادهای زندگی، سعی در تعدیل اضطراب دارند [۷]. نظم‌جویی هیجان، زیر مجموعه کوچکی از یک سازه وسیع به نام کفایت هیجانی بوده [۸] و مشتمل بر راهبردهایی است که باعث کاهش، حفظ و یا افزایش هیجانی می‌شوند [۹] و به نحوه تفکر افراد پس از بروز یک تجربه منفی یا واقعه آسیب‌زا اطلاق می‌شوند. از این رو نظم جویی شناختی هیجان در فرآیندهای به‌هنجار و نابه‌هنجار نقش اساسی داشته و در برابر محرک‌های منفی و تجارب ناخوشایند، از عوامل مهم فرآیند مقابله محسوب می‌شود. گارنفسکی، کراج و اسپینهاون معتقدند راهبردهای نظم‌جویی شناختی متفاوت بوده و عبارتند از: ملامت خویش (Self-blame) (سرزنش خود به خاطر رخدادی که اتفاق افتاده است)، پذیرش (acceptance) (رضایت دادن به آنچه که اتفاق افتاده است)، نشخوارگری

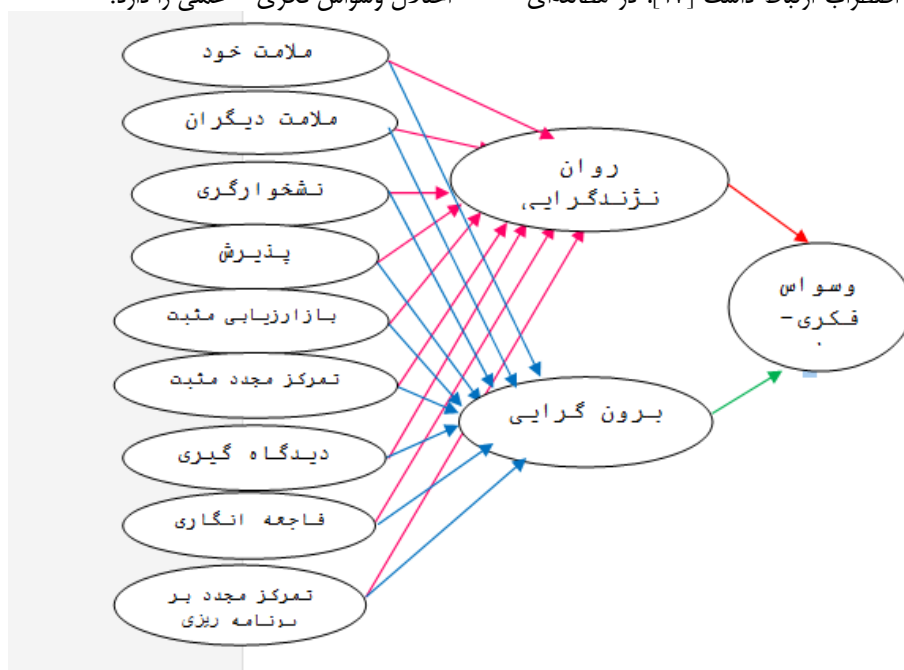
(rumination) (تفکر درباره احساسات و افکار وابسته به آن ر خداد)، تمرکز مجدد مثبت (positive refocusing) (تفکر درباره مسائل خوشایند به جای تفکر درباره آن رخداد واقعی)، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی (refocus on planning) (تفکر درباره اینکه با آن رخداد چگونه می‌توان برخورد کرد و چه قدم‌هایی می‌توان برداشت)، بازآزمایی مثبت (positive reappraisal) (افکار مربوط به الحاق معانی مثبت به آن رخداد بر حسب رشد فردی)، دیدگاه‌پذیری (putting into perspective) (افکار مربوط به نسبی بودن رخداد در مقایسه با سایر رخدادها)، فاجعه‌انگاری (catastrophizing) (افکار مربوط به تاکید آشکار بر مصیبت‌بار بودن تجربه) و ملامت دیگران (other-blame) (سرزنش دیگران به خاطر رخدادی که اتفاق افتاده است) [۱۰].

بررسی‌ها حاکی از آن است که راهبردهای فاجعه‌انگاری، ملامت خویش و نشخوارگری با سطوح بالای اضطراب مرتبط بوده در صورتیکه از سویی، تمرکز مجدد، ارزیابی مجدد مثبت و برنامه‌ریزی با سطوح پایین اضطراب مرتبط‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد نشخوارگری به عنوان مهمترین پیش‌بینی‌کننده نشانه‌های اضطراب است [۱۱]. آلدو و هوکسما و ویزر دریافتند که پذیرش با اضطراب ارتباط معناداری نداشته و برآورد مجدد با اضطراب، ارتباط کمی دارد. راهبردهای سازگارانه‌تر مانند تمرکز مجدد مثبت و بازآزمایی مجدد به طور منفی با اضطراب مرتبط هستند [۱۲]. در پژوهشی دیگر مشخص شد که راهبردهای ناسازگارانه نشخوارگری، ملامت خود، ملامت دیگران، فاجعه‌انگاری با اضطراب رابطه مثبت و معنادار دارند؛ در حالیکه راهبردهای پذیرش، دیدگاه‌گیری، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی و ارزیابی مجدد مثبت رابطه معنادار و منفی با اضطراب دارند. از بین راهبردهای مذکور، نشخوارگری بیشترین توان پیش‌بینی‌کنندگی را برای نمرات اضطراب نشان می‌دهد [۱۳]. با این حال، آلدو و هوکسما و ویزر دریافتند که پذیرش با اضطراب ارتباط معناداری نداشته و ارزیابی مجدد با اضطراب ارتباط کمی دارد [۱۲]. همچنین نتایج مطالعه کارتی و همکاران، بر روی کودکان مضطرب نشان داد که کودکان مبتلا به اختلال اضطرابی، پاسخ‌های هیجانی منفی را به طور شدیدتری تجربه می‌کنند و ارزیابی مجدد مثبت به طور موثرتری هیجان‌های منفی را هم در کودکان مضطرب و هم غیر مضطرب کاهش می‌دهد [۱۴].

در بازنگری پژوهش‌های مربوط به نظم‌جویی هیجان، گروس اشاره نمود که تفاوت‌های فردی در تعدیل هیجان در هر یک از مراحل تولید هیجان‌ها مشاهده می‌شود [۱۰]. از سویی، ویژگی‌های شخصیتی به عنوان مولفه‌های مهم در تعدیل هیجان‌ها و نظم‌جویی آن‌ها مطرح شده که در این رابطه، به نقش روان‌نژند گرای (Neuroticism) (N) و برون‌گرایی (Extraversion) (E) تاکید فراوان شده است. توضیح اینکه تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی چون ترس، غم، عصبانیت، احساس گناه بعد

دیگر مشخص شد که روان نژندگرایی و نشخوارگری با اضطراب رابطه مثبت دارد و روان نژندگرایی با میانجی‌گری نشخوارگری با اضطراب مرتبط است [۱۸].

مبتنی بر آنچه عنوان شد، چنین برداشت می‌شود که افراد مبتلا به وسواس فکری- عملی در استفاده از راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. از سویی این راهبردها گاه در نقش عوامل علی موجب تشدید علائم این اختلال می‌شوند. از طرفی در فرآیند اثرگذاری این راهبردها بر وسواس فکری- عملی عوامل شخصیتی نقش واسطه‌ای دارند و این عوامل قادرند به عنوان تعدیل‌کننده این روابط عمل کنند که در این میان نقش برون‌گرایی و روان نژندگرایی برجسته‌تر است. از این رو سوال اساسی این پژوهش این است که آیا برون‌گرایی و روان نژندگرایی نقش میانجی مابین راهبردهای شناختی نظم‌جویی هیجان و اختلال وسواس فکری - عملی را دارد؟



جهت جمع‌آوری ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد شرکت‌کننده در پژوهش استفاده شد و حاوی سوالاتی از قبیل جنسیت، سن، تحصیلات، بومی و غیربومی بودن بود.

پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان (CERQ): برای اندازه‌گیری راهبردهای شناختی نظم‌جویی هیجان، از پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان استفاده شد که کارنفسکی و همکاران آن را به منظور ارزیابی نحوه تفکر افراد بعد از تجربه رخدادها

تهدیدکننده یا استرس‌زای زندگی ابداع کرده‌اند. این پرسشنامه دارای ۳۶ عبارت است که نحوه پاسخ به آن براساس مقیاس درجه‌بندی لیکرت، در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) قرار دارد. راهبردهای منفی و راهبردهای مثبت هر یک نمره‌ای دارد، نمره هر راهبردها از طریق جمع نمرات داده شده به هر یک از عبارات تشکیل‌دهنده آن راهبردها به دست می‌آید و می‌تواند در دامنه‌ای از ۴ تا ۲۰ قرار بگیرد. از جمع کل نمرات ۳۶ عبارت،

روان نژندگرایی را تشکیل داده در صورتیکه جامعه‌گرا بودن، دوست داشتن مردم، با جرات بودن، فعال، پرنرژی و پرحرف بودن از صفات برون‌گراها است [۱۵]. این دو ویژگی شخصیتی راهبردهای مقابله‌ای را تحت تاثیر قرار داده به نحوی که افراد روان نژندگرا در برخورد با تجربه‌ی منفی بیشتر از راهبردهای ملامت خویش و دیگران، پذیرش، نشخوارگری، دیدگاه‌گیری و فاجعه‌انگاری استفاده می‌کنند؛ در حالی که افراد پایدار هیجانی از راهبردهای تمرکز مجدد مثبت و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی استفاده می‌کنند. روان نژندگرایی با راهبردها ناسازگارانه ملامت خود همبستگی مثبت دارد. در این راستا بولاند و کاپلینز دریافتند که روان نژندگرایی با بازارزیابی مثبت همبستگی منفی دارد [۱۰]. از سویی کلارک و واتسون بیان کرده‌اند روان نژندگرایی با اضطراب مرتبط است [۱۶]. در مطالعه‌ای دیگر برون‌گرایی پایین با اضطراب مرتبط بوده و روان نژندگرایی بالا با اضطراب ارتباط داشت [۱۷]. در مطالعه‌ای

روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بود که از این جامعه، نمونه‌ای ۴۰۰ نفری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این راستا ابتدا دانشکده (دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشکده کشاورزی، علوم انسانی، علوم پایه، مهندسی عمران) به تصادف انتخاب و هم دانشجویان این کلاس‌ها به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شدند. توضیح اینکه در انتخاب نمونه‌ها از فرمول مک کال $n = (Z\sigma/\epsilon)^2$ استفاده شد که در آن n حجم نمونه برای سطح مطلوب دقت، ϵ حجم اثر، Z سطح اطمینان و σ انحراف معیار نمرات در جامعه بودند که مبتنی بر این فرمول و بر اساس شاخص‌های $Z=1/96$ ، $\sigma=100$ و $\epsilon=10$ تعداد نمونه ۴۰۰ نفر برآورد گردید [۱۹].

پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: از این پرسشنامه

کرونباخ برابر $N=0/81$ ، $E=0/71$ ، $O=0/57$ ، $A=0/71$ ، $C=0/83$ و اعتبار آزمون-آزمون مجدد در فاصله ۶ ماه برابر $N=0/53$ ، $E=0/74$ ، $O=0/76$ ، $A=0/6$ به دست آمده است. در نمره گذاری برای هر عبارت پرسشنامه یک مقیاس درجه بندی پنج رتبه ای وجود دارد که دارای ارزش صفر تا ۴ است. برای برخی از جمله ها این نمره گذاری از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم به ترتیب صفر تا ۴ تعلق می گیرد و برای برخی برعکس [۲۱].

پرسشنامه وسواس-عملی مادلزی: این پرسشنامه توسط هاجسون و راجمن (۱۹۹۷) به منظور پژوهش در مورد نوع و حیطة مشکلات وسواس تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که نیمی از آن ها با کلید درست و نیمی با کلید غلط بوده در اعتباریابی اولیه توانسته است ۵۰ بیمار وسواسی را از ۵۰ بیمار وسواسی به خوبی تفکیک نماید؛ همچنین این پرسشنامه در تحلیل محتوایی پاسخ های ۱۱ بیمار، ۴ مولفه عمده را که منعکس کننده ۴ نوع مشکل وسواسی در بیماران بود مشخص نمود [۲۲]. این ۴ مولفه عبارتند از: واریسی، تمیزی، کندی و شک وسواسی که چهار مقیاس فرعی را تشکیل می دهد، با استفاده از یک روش نمره گذاری ساده می توان یک نمره وسواس کلی و چهار نمره فرعی به دست آورد. ضریب پایایی با روش بازآزمایی ۰/۸۹ بوده است [۲۳].

یافته ها

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه در بین دو جنس زن و مرد گزارش شده است. مندرجات جدول ۱ نشان می دهد میانگین ملامت خود، پذیرش، نشخوارگری، دیدگاه گیری، فاجعه سازی و وسواس فکری- عملی در زنان بیشتر از مردان است. از طرفی میانگین تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی، بازارزیایی مثبت، ملامت دیگران، برون گرایی و روان نژندگرایی در مردان بیشتر از زنان است.

نمره کلی به دست می آید و می تواند در دامنه ای از ۳۶ تا ۱۸۰ قرار بگیرد. پایایی کل راهبرد های «مثبت»، «منفی»، «کل شناختی» با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۹۱، ۰/۸۷، ۰/۹۳ به دست آمده است [۲۰]. از طرفی، پایایی آن در ایران با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل شناختی ۰/۸۲ گزارش شده است. روایی آن از طریق همبستگی میان نمره راهبردهای منفی با نمرات افسردگی و اضطراب پرسشنامه ۲۸ سوال سلامت عمومی بررسی شده و به ترتیب ضرایب برابر ۰/۳۵ و ۰/۳۷ به دست آمده است که هر دو در سطح $P < 0/01$ معنادار بودند [۱۹].

پرسشنامه تشخیصی نئو: فرم تجدید نظر شده پرسشنامه NEO (NEOPI-R) پنج عامل اصلی شخصیت و شش خصوصیت در هر عامل را اندازه می گیرد که در سال ۱۹۸۵ توسط پاتول تی، کوستا و روبرت آر. مک کری تهیه شده بود. پرسشنامه NEO مقیاس های تجربه شده ای برای اندازه گیری صفات N (روان نژندگرایی)، E (برون گرایی) و O (Openness) (انعطاف پذیری) داشت اما برای دو عامل دیگر یعنی A (Agreeableness) (دلپذیر بودن) و C (Conscientiousness) (با وجدان بودن) مقیاس های کلی داشت. پرسشنامه NEOPI-R این نارسایی ها را با اضافه کردن مقیاس هایی برای صفات فرعی دو عامل A و C بر طرف می کند. این پرسشنامه فرم دیگری به نام NEO-FFI (Neo Five-Factor Inventory) دارد که یک پرسشنامه ۶۰ سوالی است و برای ارزیابی پنج عامل شخصیت به کار می رود. هر یک از عوامل اصلی NEOPI-R شامل شش مقیاس است که صفات آن عامل را اندازه گیری می کند. ضریب آلفای گزارش شده توسط مک کرا و کاستا ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ بوده است. در ایران نیز تحقیقات [۱۶] بر روی نمونه ۵۰۲ نفری جمعیت شیراز به این نتایج رسید: ضرایب آلفای

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد راهبردهای شناختی نظم جویی هیجان، وسواس فکری-عملی، روان نژندگرایی و برون گرایی در زنان و مردان

	مردان		زنان		کل	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
ملامت خود	۱۱/۰۳۰۰	۳/۳۰۷۳۴	۱۱/۰۸۱۶	۳/۱۱۵۴۷	۱۱/۰۶۴۲	۳/۱۱۷۶۰۷
پذیرش	۱۱/۸۱۰۰	۳/۱۸۶۷۶	۱۲/۰۸۱۶	۳/۱۵۶۳۵	۱۱/۹۸۹۹	۳/۱۶۳۸۷
نشخوارگری	۱۲/۶۴۰۰	۳/۲۶۷۵۹	۱۳/۱۹۳۹	۳/۵۶۹۵۵	۱۳/۰۰۶۸	۳/۴۷۴۸۴
تمرکز مجدد مثبت	۱۲/۶۵۰۰	۴/۲۱۹۶۶	۱۱/۵۵۶۱	۳/۲۸۲۶۳	۱۱/۹۲۵۷	۳/۹۹۱۶۷
تمرکز مجدد بر برنامه ریزی	۱۴/۶۷۰۰	۳/۳۷۸۶۵	۱۳/۷۸۵۷	۳/۵۲۵۰۰	۱۴/۰۸۴۵	۳/۴۹۵۷۱
بازارزیایی مثبت	۱۳/۴۲۰۰	۳/۶۹۰۵۰	۱۲/۸۴۶۹	۳/۹۵۷۰۸	۱۳/۰۴۰۵	۳/۱۷۲۳۳
دیدگاه گیری	۱۱/۸۹۰۰	۳/۷۸۹۶۶	۱۱/۹۶۹۴	۳/۴۵۳۵۹	۱۱/۹۴۲۶	۳/۵۶۴۴۳
فاجعه سازی	۹/۵۷۰۰	۴/۱۸۳۳۱	۱۰/۱۷۳۵	۳/۶۶۸۳۷	۹/۹۶۹۶	۳/۸۵۳۵۶
ملامت دیگران	۸/۵۱۰۰	۳/۲۱۱۳۹	۹/۱۵۳۱	۳/۱۴۰۶۴	۸/۹۳۵۸	۳/۱۷۳۹۳
وسواس فکری - عملی	۹/۸۷۰۰	۴/۷۸۵۶۲	۱۰/۶۰۶۱	۴/۹۴۵۰۱	۱۰/۳۵۹۱	۴/۱۹۶۴۳
روان نژندگرایی	۲۵/۱۶۱۶	۸/۵۹۲۴۸	۲۲/۲۴۷۵	۷/۹۸۳۷۶	۲۳/۲۱۸۹	۸/۲۹۲۱۳
برونگرایی	۲۱/۰۰۰۰	۶/۴۶۸۱۳	۲۰/۳۰۳۰	۶/۳۳۹۷۱	۲۰/۵۳۵۴	۶/۳۸۰۳۶

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که راهبردهای بازاریابی مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، دیدگاه‌گیری به‌واسطه برون گرایی به صورت منفی و راهبردهای ملامت‌خود، نشخوارگری به‌واسطه برون گرایی به صورت مثبت تغییرات نشانه‌های وسواس فکری- عملی را پیش‌بینی می‌کنند. علاوه بر این راهبردهای ملامت‌خود، نشخوارگری، فاجعه‌انگاری به‌واسطه روان نژندگرایی به صورت مثبت و راهبردهای پذیرش، بازاریابی مثبت، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی و دیدگاه‌گیری به واسطه روان نژندگرایی به صورت منفی تغییرات نشانه‌های وسواس فکری- عملی را پیش‌بینی می‌کنند.

در راستای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش تحلیل مسیر، ابتدا پیش‌فرض هم‌خطی چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. جهت بررسی این پیش‌فرض از شاخص VIP (عوامل تورم واریانس) استفاده شد. از آنجا که مقدار این شاخص در هم‌متغیرهای مورد مطالعه کمتر از ۶ بود و هیچ یک از هم‌بستگی‌های ساده از ۸۰ درصد بالاتر نبود و از طرفی هم‌بستگی ساده بین متغیرهای پیش‌بین از ترکیبی بزرگتر نبود و نیز هیچ‌یک از مقادیر ویژه به عدد صفر نزدیک نبود لذا چنین استنباط شد که مهمترین پیش‌فرض تحلیل رگرسیون چندمتغیره (تحلیل مسیر) محقق شده است.

جدول ۲. ماتریس کوواریانس متغیرهای مورد مطالعه

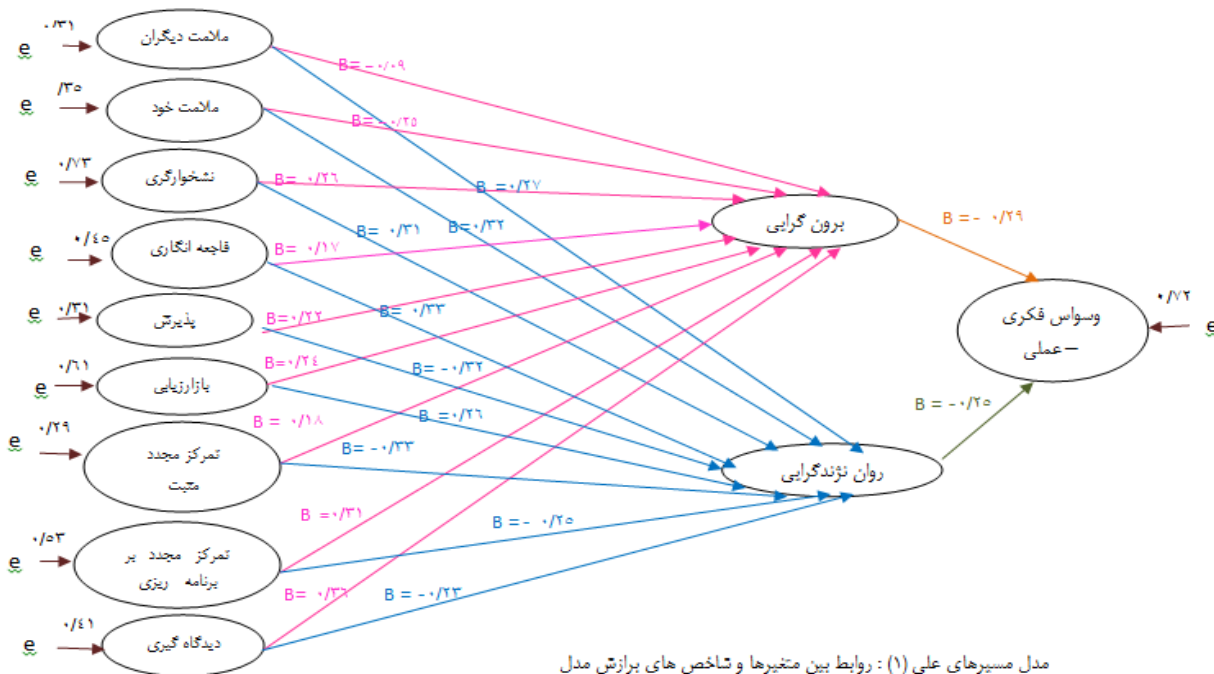
متغیرها	وسواس فکری- عملی	ملامت دیگران	ملامت خود	نشخوارگری	پذیرش	بازاریابی مثبت	تمرکز مجدد مثبت	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	دیدگاه‌گیری	فاجعه‌انگاری	برون گرایی	روان نژندگرایی
وسواس فکری- عملی	۳/۹۲											
ملامت دیگران	۱/۹۱	۲/۸۲										
ملامت خود	۲/۱۴	۱/۱۲	۳/۱۶									
نشخوارگری	۲/۶۱	۱/۲۷	۱/۰۹	۲/۷۲								
پذیرش	۱/۱۲	-۰/۴۹	-۰/۵۷	-۰/۴۶	۳/۲۶							
بازاریابی مثبت	-۱/۵۲	-۰/۶۳	-۰/۳۶	-۰/۵۲	-۰/۷۲	۴/۱۵						
تمرکز مجدد مثبت	-۱/۶۵	-۰/۵۲	-۰/۶۷	-۰/۴۱	۰/۶۲	۰/۷۲	۳/۴۶					
تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	۱/۳۵	-۰/۴۱	-۰/۵۹	-۰/۳۸	۰/۵۳	۰/۶۵	۰/۵۹	۲/۹۱				
دیدگاه‌گیری	-۰/۹۲	-۱/۳۱	-۱/۱۵	-۱/۱۱	۰/۷۹	۰/۵۱	۰/۴۸	۰/۶۱	۳/۱۴			
فاجعه‌انگاری	۳/۷۱	۱/۰۸	۰/۷۶	۰/۵۱	-۰/۶۱	-۰/۴۹	-۰/۴۲	-۰/۵۷	-۰/۶۲	۲/۸۱		
برون گرایی	-۱/۸۲	-۰/۵۷	-۱/۶۹	-۱/۷۲	۱/۴۴	۱/۶۲	۱/۲۹	۲/۱۴	۲/۵۱	-۱/۱۹	۳/۱۹	
روان نژندگرایی	۱/۹۱	۱/۸۳	۲/۲۶	۱/۲۸	-۲/۱۶	-۱/۷۱	-۲/۳۶	-۱/۶۱	-۱/۴۹	۲/۲۲	-۰/۶۲	۴/۰۲

جدول ۴. مسیرهای علی غیرمستقیم متغیرها

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	ضریب β	t	سطح معناداری
ملامت دیگران	برون گرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۰۳	-۰/۹۱	NS
	روان نژندگرایی	وسواس فکری- عملی	۰/۰۳	۰/۹۲	NS
ملامت خود	برون گرایی	وسواس فکری- عملی	۰/۰۷۲	۱/۸۶	P<۰/۰۵
	روان نژندگرایی	وسواس فکری- عملی	۰/۱۰	۲/۲۱	P<۰/۰۵
نشخوارگری	برون گرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۰۷۳	۱/۸۲	P<۰/۰۵
	روان نژندگرایی	وسواس فکری- عملی	۰/۱۰	۲/۱۶	P<۰/۰۵
فاجعه‌انگاری	برون گرایی	وسواس فکری- عملی	۰/۰۵	۱/۴۱	NS
	روان نژندگرایی	وسواس فکری- عملی	۰/۱۰	۲/۲۳	P<۰/۰۵
پذیرش	برون گرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۰۶	-۱/۴۸	NS
	روان نژندگرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۱۰	-۲/۱۲	P<۰/۰۵
بازاریابی مثبت	برون گرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۰۷	-۱/۹۴	P<۰/۰۵
	روان نژندگرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۰۸	-۲/۰۲	P<۰/۰۵
تمرکز مجدد مثبت	برون گرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۰۵	-۱/۴۲	NS
	روان نژندگرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۱۰	-۲/۰۹	P<۰/۰۵
تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	برون گرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۰۹	-۲/۲۱	P<۰/۰۵
	روان نژندگرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۰۸	-۲/۰۱	P<۰/۰۵
دیدگاه‌گیری	برون گرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۱۰	-۲/۲۱	P<۰/۰۵
	روان نژندگرایی	وسواس فکری- عملی	-۰/۰۷	-۱/۹۸	P<۰/۰۵

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی مسیرهای علی (۱)

P	AGFI	GFI	CFI	X ² /df	df	X ²	RMSEA	مدل شماره ۱
۰/۱۳	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۷	۵	۱۹۶	۹۸۲	۰/۰۴	



یافته‌های [5]، [۱۱]، [۱۳] همسو است. مطابق با نظر شورتر و کلور شروع تفکر وسواسی زمانی تهدیدبرانگیز تجربه می‌شود که باورهای فراشناختی درباره معنای تفکرات را اندازه‌گیری شوند. زمانی که این باورها فعال شوند، این ارزیابی را فرا می‌خوانند که تفکرات خطرناکند، بنابراین به احساس ترس / اضطراب و گناه / ناراحتی منجر می‌گردد. همچنین این احساس‌ها به عنوان نشانه بیشتر برای واقعی بودن مرتبط با افکار مزاحم است. در نتیجه، فرآیندهای فراشناختی، راهبرد خاصی را برای مقابله با تهدید ادراک شده فعال می‌سازند. بیماران وسواس فکری-عملی افکار و پدیده‌های حافظه را به گونه منفی ارزیابی می‌کنند و با ارزیابی‌های فاجعه آمیز درباره هجوم افکار منفی، چرخه‌های معیوب افکار وسواسی و اجبارها تشدید می‌شوند [۲۶].

از طرفی تحلیل داده‌ها نشان داد که راهبرد ملامت خود با وسواس فکری-عملی رابطه مثبت دارد. این یافته با یافته‌های [۱۲]، [۱۴]، [۶] همسو است. در خصوص نقش سرزنش خود در حالات اضطرابی می‌توان عنوان کرد شناخت و عاطفه و رفتار کاملاً در تعامل با یکدیگر هستند و لذا به‌کارگیری سرزنش خود، قادر است ادراکات خودکارآمدی فرد را کاهش داده و تغییر عملکرد سیستم‌های شناختی (از قبیل حافظه، توجه و هشیاری) موجب دستپاچگی فرد در موقعیت‌های مبهم گردد.

همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد که راهبرد ملامت دیگران بر روی وسواس تاثیر مثبت داشت. با توجه به اینکه یکی از باورهای وسواسی، کمال‌گرایی/عدم قطعیت است یعنی باور مربوط به اینکه

بررسی شاخص‌های برازش مسیرهای علی (۱) و برازندگی جدول (۴) نشان داد که مدل علی (۱) از شاخص‌های برازش نسبتاً مطلوبتری برخوردار است و لذا مدل (۱) در تبیین تغییرات متغیرهای وابسته توان بهتری دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مدل (۱) برازش بهتری با مدل نظری دارد.

بحث

تحلیل داده‌های مدل مسیرهای علی نشان داد که راهبرد «نشخوارگری» با وسواس فکری-عملی در جمعیت غیربالینی رابطه‌ی مثبت دارد. این یافته با یافته‌های [5]، [۱۱]، [۱۳]، همسو است. ماگینی و همکاران نشان داده‌اند که علائم وسواسی با نشخوار فکری روابط تنگاتنگ دارند [24]. در این راستا مطالعه لیندی و همکاران حاکی از آن است که نشخوار فکری یکی از ویژگی‌های شناختی بیماران وسواسی است که به‌صورت جرو بحث‌های درونی بی‌پایان با خود که برخی اوقات در مورد مسائل جزئی و پیش‌پاافتاده و گاهی درباره یک مساله فلسفی لاینحل بروز می‌کند [25]. از سویی کاونگ عنوان می‌کند که بیماران وسواسی نمی‌توانند توجه خود را از علائم ادراک شده برجسته برگیرند و در واقع قادر نیستند جلوی افکار ناخوانده مزاحم را به‌طور موثر بگیرند و لذا این افکار به صورت نشخواری علائم وسواسی را تشدید می‌کند [۲۰].

از طرفی تحلیل داده‌ها نشان داد که بین راهبرد فاجعه انگاری با وسواس فکری-عملی رابطه‌ی مثبت وجود دارد. این یافته با

درباره گام‌هایی که برای مواجهه با رویدادهای منفی باید برداشته شود توجه بیشتری نموده و استفاده از این راهبرد موجب کاهش نشانه‌های اضطراب می‌گردد.

همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد که برون گرایی با نشانه‌های وسواس فکری- عملی رابطه منفی دارد. پایین بودن برون گرایی در وسواسی‌ها کاملاً قابل توجیه است، به نظر می‌رسد اختلال وسواس عامل اساسی کاهش ارتباطات انسانی و بین فردی است، چرا که افراد وسواسی تمایل شدیدی به حفظ یکسانی محیط و عدم تغییر در محیط فیزیکی و انسانی دارند. فرد وسواسی برای حفظ این ثبات و یکسانی و کاهش احتمال مواجهه با تحریکات محیطی که برانگیزنده افکار و رفتار وسواسی است مانند رفت‌وآمد با افراد دیگر که امکان مواجهه با میکروب، افکار مخرب جنسی، کفرآمیز و تهدیدآمیز را افزایش می‌دهد، لاجرم به تدریج از ارتباطات و روابط انسانی می‌گریزد و در این راستا دیگران که متوجه وسواس فرد می‌شوند تمایلی به ارتباط با یک فرد وسواسی که محیط را خشک و محدود می‌سازد ندارند در نتیجه به تدریج فرد به درون خود پناه برده و از میزان برون گرایی او کاسته می‌شود [۲۸].

از سویی نتایج مدل ساختاری نشان داد که روان نژندگرایی با نشانه‌های وسواس فکری- عملی رابطه‌ی مثبت دارد. طبق مدل نظری آسیب‌پذیری استرس، روان نژندگرایی به این دلیل که به سوگیری‌های منفی در توجه و حافظه منجر می‌شود، به حالات اضطرابی منتهی می‌شود، همچنین کروگر و همکاران معتقدند روان نژندگرایی عامل بنیادی مشترک برای نشانه‌های اختلالات اضطرابی بوده و روان نژندگرایی بیانگر عامل آسیب‌پذیری بنیادی برای اختلالات هیجانی است [۲۲].

از طرفی یافته‌های پژوهش نشان داد که روان نژندگرایی در روابط راهبردهای ملامت‌خود، نشخوارگری، فاجعه‌انگاری با نشانه‌های وسواس فکری- عملی نقش میانجی مثبت و در روابط راهبردهای پذیرش، دیدگاه‌گیری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی و بازاریابی مثبت با نشانه‌های وسواس فکری- عملی نقش میانجی منفی را ایفا می‌کند. این نتایج با یافته‌های [۱۱] همسو هستند. نکته قابل ذکر این که روان نژندگرایی از طریق فعال شدن نگرانی به پیش‌بینی حالات اضطرابی یاری می‌رساند [۳۰]. از طرفی، می‌توان بیان داشت دیدگاه‌گیری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی و پذیرش راهبردهای مطلوب نظم‌جویی هیجان بوده [۲۱] و افراد حائز پایداری هیجانی از این راهبردها به‌وفور استفاده می‌کنند و تفاوت‌های فردی در نظم‌جویی شناختی هیجان می‌تواند فرد را در معرض خطر بروز جنبه‌های آسیب‌شناختی قرار دهد. به عبارتی شیوه کنار آمدن افراد با استرس و تجربه‌های منفی با صفات شخصیتی همبسته بوده و افراد به‌طور خودکار از راهبردهایی استفاده می‌کنند که با صفت شخصیتی غالب آن‌ها متناسب باشد [۱۱]. بر این اساس می‌توان بیان کرد که روان نژندگرایی استفاده از راهبردهای سازگارانه را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

کامل و مشخص بودن امری ضروری و محتمل است و نیز باورهایی درباره ناتوانی در مقابله با عدم کمال و ابهام است [۲۶]، بنابراین می‌توان بیان کرد که افراد وسواسی زمانی که اتفاق ناخوشایندی برایشان اتفاق می‌افتد به‌خاطر اینکه اطرافیان به‌دلیل عدم کمال و مسئولیت مقصر این اتفاق تلقی می‌شوند لذا آن‌ها را سرزنش می‌کنند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که راهبرد بازاریابی با نشانه‌های وسواس فکری- عملی رابطه منفی دارد. این یافته با یافته‌های [۱۲]، [۱۴]، [۲۱]، همسو است. گروه کاری شناختواره‌های وسواسی- اجباری عنوان می‌کنند در اختلال وسواس فکری- عملی ارزیابی‌های منفی افکار مزاحم و ناخواسته، در سه حوزه اهمیت تفکرات؛ (ارزیابی‌هایی که به وجود و معنای تفکرات تهدیدبرانگیز اشاره داشته یا از نظر شخصی اهمیت دارد)، کنترل تفکرات؛ (ارزیابی‌هایی که بر ضرورت کنترل تفکرات به منظور جلوگیری از پیامدهای تهدیدبرانگیز مرتبط اشاره می‌کنند) و مسئولیت؛ (ارزیابی‌هایی که اشاره می‌کنند اگر تفکرات تداوم یابد فرد مسئول حوادث منفی خواهد بود) به‌وقوع می‌پیوندند که به تشدید علائم منتهی می‌شوند [۲۷].

از طرفی یافته‌های پژوهش نشان داد که راهبرد پذیرش با نشانه‌های وسواس فکری- عملی رابطه منفی دارد که این یافته با یافته‌های [۱۴] همسو است. در این راستا می‌توان بیان نمود که مدل‌های رفتاری- شناختی وسواس فکری- عملی، بیان می‌کنند که تلاش‌های ناموفق در کنترل تفکرات ناخواسته در شکل‌گیری و تداوم اختلال، نقشی تعیین‌کننده دارند [۲۸]. از طرفی لیهی معتقد است که پذیرش یک فکر مزاحم و به‌عبارت دیگر، برخورد ذهن آگاهانه (mindfulness) با یک فکر مزاحم، گوش‌به‌زنگی و سرکوبی را حذف نموده و می‌تواند به فرد اجازه دهد تا باورهایی را که به دلیل حالت‌های اضطراب درونی حفظ کرده‌اند مورد آزمایش قرار دهد. به‌طور مشابه، پذیرش عدم قطعیت، می‌تواند نیاز به نگرانی برای یافتن راه حل‌های کامل و کمال‌گرایانه را کاهش دهد [۲۸].

همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد که راهبردهای تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی و دیدگاه‌گیری با نشانه‌های وسواس فکری- عملی رابطه دارد؛ به این معنی که این راهبردها اثر منفی بر روی نشانه‌های وسواس فکری- عملی دارند. برای تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که توجه و تفکر درباره تجارب مثبت به‌جای تفکر درباره واقعیت تجربه و همچنین نگاهی متفاوت به ارزیابی رویدادهای منفی موجب می‌شود فرد به جنبه‌های مثبت و فواید احتمالی رویداد در دراز مدت که برای وی به دنبال دارد توجه کند، در نتیجه، ناراحتی و تنیدگی کمتری را تجربه کرده و راحت‌تر با آن رویداد کنار می‌آید [۱۴] همین امر موجب کاهش نشانه‌های اضطراب می‌شود. از سویی مطالعات نشان می‌دهند که تاکید بر نسبییت رویدادها در مقایسه با سایر وقایع با کارکرد بهتر همراه بوده و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی موجب می‌شود که فرد

فکری- عملی نقش میانجی را ایفا می‌کند. توضیح اینکه راهبردهای نظم‌جویی هیجان متأثر از صفات شخصیت بوده و حسنی و همکاران بیان می‌دارند شیوه کنار آمدن افراد با استرس و تجربه‌های منفی با صفات شخصیتی همبسته بوده و سبک‌های نظم‌جویی هیجان در سلامت عمومی نقش مهمی دارند [۱۰].

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که راهبردهای شناختی نظم‌جویی هیجان به واسطه روان‌نژندگرایی و برون‌گرایی می‌توانند در قالب یک مدل پیش‌بینی‌کننده نشانه‌های وسواس فکری- عملی در جمعیت غیربالینی باشند. این یافته‌ها تلویحات عملی در مداخلات بالینی دارد. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به خودگزارشی بودن ابزارهای این پژوهش اشاره نمود، به‌علاوه این مطالعه در مورد افراد حائز نشانه‌های غیربالینی بوده و جامعه مورد مطالعه را دانشجویان تشکیل می‌دهد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش بر روی افراد حائز نشانه‌های بالینی وسواس فکری- عملی و سایر گروه‌هایی غیر از دانشجویان انجام گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود که با تغییر مدل نظری، نقش راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان بر روی ویژگی‌های شخصیتی به عنوان متغیرهای وابسته مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این مدل‌های آشیانه‌ای نیز ترسیم و مورد بررسی قرار گیرد.

تشکر و قدردانی: جا دارد از زحمات همسر مهربانم؛ آقای بهمن زمانی و کلیه عزیزانی که در تکمیل این کار پژوهشی یاری رسانند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

منابع

1. American Psychiatric Association. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders. 4th ed. Washington DC. 1999.
2. Babaei M. The effect of danger ideation reduction therapy(DIRT) and memory reinforcement techniques on the memory of patients with obsesive-compulsive disorder. Behav Sci. 2013;7:13-7.[Persian]
3. Ghamari-Givi H, Emani H, Berahmand O., Sadeghi Movahed F. The investigation of the cognitive inhibition and recognition deficit in patients with obsessive- compulsive disorder. Behav Sci.6(4):315-21. [Persian]
4. Rodebaugh and Richard G.Thomas L. Emotion Regulation and the Anxiety Disorders: Adopting a Self-Regulation Perspective: Springer; 2008.
5. Garnefski N, Van Den Kommer T, Kraaj V, Teerds J, Legerstee J, Onsteintein E. regulation strategies and emotional problems: the relationship between a clinical and non – clinical sample euopean. Eur. J Pers. 2002;16:403-20.

از طرفی تحلیل داده‌های کاستا و مک کری نشان داد که برون‌گرایی، اثر راهبرد ارزیابی مجدد مثبت، بازارزیایی مثبت، دیدگاه‌گیری و تمرکز مجدد مثبت بر نشانه‌های وسواس فکری- عملی را افزایش می‌دهد. برای تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که برون‌گرایی با صمیمیت، جمع‌گرایی، قاطعیت و هیجان مثبت رابطه دارد [۲۹]. از سوی دیگر چون برون‌گرایی با سبک‌های مقابله‌ای کارآمد مانند ارزیابی مجدد مثبت ارتباط دارد و همچنین افراد برون‌گرا به دلیل ویژگی‌های شخصیتی، بیشتر از این راهبردها استفاده می‌کنند و کمتر مستعد نگرانی هستند بنابراین می‌توان بیان کرد که این ویژگی شخصیتی باعث افزایش استفاده از این راهبرد می‌شود که به نوبه خود نشانه‌های اضطراب را کاهش می‌دهد. از طرفی نتایج نشان داد که برون‌گرایی اثر راهبرد ملامت خود بر نشانه‌های وسواس فکری- عملی را کاهش می‌دهد. در این راستا می‌توان بیان کرد که ملامت‌خود از جمله راهبردهای نامطلوب نظم‌جویی هیجان است [۲۱] و کاستا و مک کری معتقدند از آنجا که برون‌گرایی به دلیل ویژگی‌هایی مانند جمع‌گرایی، فعال بودن، حراف و اهل گفتگو بودن (۲۹) موجب کاهش نشخوارگری، ملامت‌خود و افزایش عزت نفس می‌گردد و لذا به نوبه خود باعث کاهش نشانه‌های اضطراب شده و همچنین باعث کاهش استفاده از راهبردهای نامطلوب می‌گردد و به همین علت، کاهش استفاده از راهبردهای ناسازگار و برخورداری از ویژگی برون‌گرایی موجب کاهش نشانه‌های اضطراب می‌گردد.

در نهایت تحلیل داده‌ها نشان داد که مدل تجربی (۱) برازش بهتری با مدل نظری دارد که در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت دو ویژگی شخصیتی برون‌گرایی و روان‌نژندگرایی در رابطه میان راهبردهای شناختی نظم‌جویی هیجان و نشانه‌های وسواس

6. Garnefski N., Kraaij V., Spinhoven P. Negative life events , cognitive emotion regulation and emotion problems. Pers Individ Diff . 2001;30:1311-27.
7. Hayes A., Feldman, G. Clarifying the construct of mindfulness in the context of emotion regulation and the process of change in therapy. Clinical psychology: Science and Practice. 2004;11:255-62.
8. Ciarrochi J, Scott G, Deane F, Heaven P. Relations between social and emotional competence and mental health: A Construct Validation Syudy. Pers Individ Diff. 2003;38:1947-63.
9. Jermann F, Van Der Linden M, Acremont M, Zermatten A. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire [CERQ]: Confirmatory Factor Analysis and Psychometric properties of the French Translation. Eur J Psychol Assess. 2006;2:126-31.
10. Hassani J, Azad Falah P, Rasoulzadeh Tabatabaei S, Ashayeri H. Evaluation of cognitive emotions sterategies based on the Neuroticism and extroversion dimentions. J Cogn Sci. 1387;4:1-13.
11. Pourfaraj Omran M. Relationships between

- cognitive emotion regulation strategies with depression and anxiety. *Open J Psychol.* 2011;1,106-9.
12. Aldao A, Nolen Hoeksema, S. Emotion regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clin Psychol Rev.* 2010;30:213-37.
13. Mashhadi A, Mirdoraghy F, Hassani J. The role of Cognitive emotion regulation strategies in the internalization disorders in children. *J Clin Psychol.* 1390;3.
14. Carthy T, Horesh N, Apter A, Michael D, Gross J. Emotional reactivity and cognitive regulation in anxious children. *Behav Res Ther.* 2010;48:384-93.
15. Haghshenas H. Five factor model. Shiraz: Shiraz University of Medical Sciences and Health Services; 2006.[Persian]
16. Antony J, Rosellini, Amy E. Lawrence, Joseph F. Meyer, Timothy A. Brown. The Effects of Extraverted Temperament on Agoraphobia in Panic Disorder. *J Abnorm Psychol.* 2012;119:420-6.
17. Middeldorp CM, Birley AJ, Cath DC, Gillespie NA, Willemsen G, Statham DJ, et al. Familial clustering of major depression and anxiety disorders in Australian and Dutch twins and siblings. *Biol Pers Individ Diff.* 2005;8(6):609-15.
18. Muris P, Roelofs J, Meesters C, Boomsma P. Rumination and worry in non-clinical adolescents. *Cogn Ther Res.* 2004; 28:539-54.
19. Ghasemi V. Introduction to Structural Equation Modeling. Tehran: Sociologists Publications; 2009. [Persian]
20. Cavangh MG. Attention training and hypochondriacs, Preliminary results of a controlled trail. World congress of behavioral and cognitive therapy, Zurich; 2001
21. Yousefi F. Investigation of the relationship between cognitive emotion regulation and depression and anxiety in students seeking guidance centers Talent. *Res Except Child.* 2006;4:871-92.[Persian]
22. Rachman SJ HR. Obsessions and compulsions. Engelwood Cliffs, NJ: Prentice- Hall.1980.
23. Abolqasemi ANM. Psychological Tests. Ardebil: Rezwan Garden. 2006.[Persian]
24. Maggini C, Ampollini P, Gariboldi S, Cella DL. The Para high school epidemiological survey: Obsessive-compulsive symptoms. *Acta Psychiatrar Scand.* 2001;103:441-6.
25. Lindy SGA., Pavel GA. Threatment and recognizing psychotic disorders of adults in clinical psychology. Tehran: Sokhan; 2000.[Persian]
26. Babapour Kh. Poursharifi H., Hashemi T., Ahmadi A. The relationship between metacognition and mindfulness components with obsessive beliefs of students. *School Psychol.* 2012;1(4):23-38.[Persian]
27. Obsessive Compulsive Cognitions Working Group. Psychometric validation of the Obsessive Belief Questionnaire and Interpretation of Intrusions Inventory. Part 2. Factor analyses and testing of brief version. *Behav Re Ther.* 2005;43:1527-42.
28. Besharat R. Comparison of the five personality factors in obsessive-compulsive patients and major depression and normal subjects[Dissertation]. Tabriz: Tabriz University; 2007.[Persian]
29. Sarvghad S, Barzeghar M, Balaghi T. The relationship between personality characteristics and dimensions of perfectionism and coping strategies of male and female university students near Shiraz. *Res Soc Women.* 2011;3:81-103.[Persian]